نقد و نظر

فرهنگ واژه‌سازی و واژه‌بازی

عابدین پاپی
منتقد و پژوهشگر

درجهان امروز مهم‌ترین چیزی که حائز اهمیت و لایق کارکرد است، می‌تواند همین واژه‌سازی باشد. واژه‌سازی، نوعی خلاقیّت و نوآوری است و مقصود از آن هم می‌تواند یک عامل داشته باشد: «ساختن واژه‌های نو بر پایه واژه‌های یک‌ریشه، یا عبارت‌ها با یاری قواعد و موازین و مضامین معینی که در زبان پذیرفته شده‌اند. فرآیند واژه‌سازی یا کلمه‌سازی و به اصطلاح؛ ساخت کلمات تازه یا ساخت واژه‌های نو درصورتی شکل می‌گیرد که جهان با نوعی دگرگونی علمی و واژگونی زبانی مواجه شود و در این شرایط و موقعیت است که واژه‌هایی جدید با شاخصه‌ها و شاکله‌هایی بکر و تازه خلق می‌شوند. جنگ‌ها و رویدادهای تاریخی، رخدادهای فرهنگی و فکری، تبادلات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی زمان، اوضاع و احوال سیاسی هر جامعه‌ای، خود از عواملی است که نوآوری زبان را در جهان به وجود می‌آورد. ساوانو، ساخته شده از همان ساخت واژه نو است و در زبان و فرهنگ‌های متنوع و گوناگون، از اهمیت و جایگاهی حیاتی برخوردار بوده و است. نوآوری در واژه‌ها مانند نوآوری در طبیعت و جامعه است؛ به‌طوری که نوآور، ارتباط موضوعی و معنایی عمیقی را با جهان طبیعت و اجتماع برقرار می‌کند و به مرور زمان، واژگان دچار پوست‌اندازی می‌شوند و خود را در نام و نشان‌های دیگری برجسته می‌کنند. مانند واژه «مهر» که امروزه خورشید است و یا در معنای محبت و دوستداری استفاده می‌شود. یا «زمین» که نام یک سیاره است اما امروزه به جایگاه کشت و کار نیز اطلاق می‌شود. براساس ریشه کلمه، می‌توان ماهیّت کلمات را تغییر داد و چه بسا با بهره‌برداری از طبیعت و جامعه و نوع مناسبات اجتماعی، می‌توان به واژگان جدیدتری هم دست یافت. نوآوری زمانی در جامعه شکل می‌گیرد که جامعه دچار نوعی صیرورت (شدن) می‌شود. بودن جامعه خود پایه‌ای است که زمینه‌های لازم و مستلزم را برای «شدن» جامعه مهیا می‌کند. مساله مهم، بخشی از زبان‌شناسی است که به ساختار واژه و قانون‌های ساخته شدن آن می‌پردازد و آن را در زبان انگلیسی wordformation می‌گویند. این اصطلاح، به روال‌های تکوین واژه به‌طور طبیعی اطلاق می‌شود؛ نه به جلساتی که افراد گرد هم می‌آیند، تعدادی واژه یا اصطلاح فرنگی را به میان می‌گذارند و برای یافتن هم‌ارز فارسی آن‌ها، رایزنی می‌کنند. در این بخش از زبان‌شناسی، آنچه مهم به نظر می‌رسد، این است که واژه‌های تازه از طریق ترکیب، اشتقاق، گسترش معنایی، تکرار واژه و غیره ساخته می‌شوند. واژه‌سازی یک فرآیند است که با زایش واژه‌ها به وجود می‌آید. به نظر می‌رسد که بسیار فکر کردن و اندیشیدن در نشانه‌ها و علائم، خود می‌تواند به خلق نوآوری در ساخت واژه مبدل شود. توجه به بن‌مایه و ریشه‌ای که وندها به آن چسبیده‌اند، از عواملی است که واژه‌های تازه را به وجود می‌آورد. برای مثال: چارچوب بن کنونی+ نده که این واژگان را خلق می‌کند: پرنده، خزنده، دونده، شنونده، گوینده، راننده، خواننده، گیرنده، بازنده، سازنده و غیره یا چارچوب بن کنونی+ آنکه با نتایجی همچون: باران، گریان، بیابان، روان، گریزان، آبان، شایان و غیره را خواهد داشت. مساله بعدی، مساله واژه‌بازی است. که به معنی بازی کردن با کلمات مورد نظر ماست. بازی با کلمات، نوعی هنر فرآرونده است که تنها با مهارت هنرمند به دایره وجود می‌آید. جابه‌جا کردن واژگان و واج‌آرایی در متن، آوامحوری و حتی جناس‌پروری و جناس زینی از عمده مواردی است که لباس کلمات را شکیل‌تر و نوعی نوآوری را در بافت واژه‌ها خلق می‌کند. بازی کردن با واژگان، مانند بازی کردن با وسایل و ابزاری است که این وسایل یا ابزار، یکدیگر را به خوبی می‌فهمند. کلمات تا یکدیگر را درک نکنند، قادر به بازی با هم نیستند و به همین خاطر است که واژه‌بازی، کار هر کسی نیست و این مهم نیاز به یک هنر تکنیکال و بایسته و شایسته را توأم با شناخت از فرهنگ کلمات، می‌طلبد. هنرمند با مهارت و فنونی که در اختیار دارد، می‌تواند جای حروف را در یک کلمه جابه‌جا کند. همین جابه‌جایی، خود منجر به معنا و پیامی سازنده و زیبا می‌شود و یا چند کلمه را در یک جمله آن‌چنان به زیبایی آرایش می‌دهد که این کلمات، لباس درون و برون جمله را با جمال و جلایی دیگر به تصویر می‌کشند. کلمات وقتی به یک مرحله «کلماتیک» برسند، هنرمندی خود را با شیوه‌ها و روش‌های متعدد در بطن جامعه نمایان می‌سازند.

کوتاه

«کمدی در گذر زمان» بررسی می‌شود

به تازگی کتاب «کمدی در گذر زمان» نوشته ست لرر با ترجمه ستاره عارف‌کشفی به همت انتشارات نیلوفر منتشر شده است. این مجموعه نگاهی است چند وجهی به ارزش‌های عمیق انسانی و اجتماعی کمدی در دل تحولات تاریخی آن. نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه، ۱۱ مرداد از ساعت ۱۵ به نقد و بررسی این کتاب اختصاص دارد که با حضور سعید اسدی، سعید عقیقی، عظیم طهماسبی و ستاره عارف‌کشفی برگزار می‌شود. ست لرر، مدرس این مجموعه در بیست‌وچهار درس گفتار، تاریخ کمدی را از ابتدای شکل‌گیری‌اش در جشنواره‌های دیونیسوسی یونان تا امروز با توجه به زمینه‌های تاریخی-اجتماعی بررسی کرده و در این مسیر از رویکردهای جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و روانشناسی بهره گرفته است. پروفسور لرر، چنان که خود در درس گفتار اول این مجموعه اشاره می‌کند، چهار عنصر «زبان»، «پیرنگ»، «شخصیت»، و «موقعیت زمانی و مکانی» را به عنوان ستون‌های اصلی روایات کمیک در نظر می‌گیرد و با عنایت به آرای سه نظریه‌پرداز معاصر زیگموند فروید، میخائیل باختین و سوزان سانتاگ، سیر تطور این چهار عنصر را در ابعاد مختلف از یونان و روم باستان تا قرون وسطا، رنسانس، قرن هجدهم و دوران مدرن بررسی و تحلیل می‌کند.

یاسمن ثانوی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

کتابسازی فریب مخاطب است

کتاب، دانش و تجربه می‌خواهد

آرمان ملی - بیتا ناصر: هر ساله بی‌شمار عنوان ترجمه‌ای در حوزه‌های مختلف همچون تاریخ، سیاست، فلسفه، ادبیات، سینما و غیره از زبان‌های گوناگون به چاپ می‌رسد و در این میان، کم نیستند کتاب‌هایی که از سوی چند مترجم و ناشر برای ترجمه انتخاب می‌شوند. این شرایط فضایی ملتهب برای مترجم و ناشر پیش می‌آورد؛ چراکه پس از انتشار کتابی خاص و مورد استقبال، مسابقه ترجمه در میان ناشران ایرانی آغاز می‌شود. یاسمن ثانوی که سال‌هاست در حوزه ترجمه فعالیت دارد، می‌گوید: «این مسائل موجب استرس مترجم برای سریع‌تر رساندن ترجمه به ناشر برای طی شدن مراحل چاپ می‌شود. این جریان، مدت‌هاست که در حوزه کتاب و ترجمه وجود دارد».

اغلب مترجمان داخلی سعی می‌کنند تا زمان انتشار ترجمه آثار، نامی از آن‌ها نبرند و گاهی حتی از صحبت درباره موضوع اثر نیز پرهیز می‌کنند. احتمالا این مساله به نبود قانون کپی‌رایت و در نتیجه موازی‌کاری از سوی ناشران و مترجمان بازمی‌گردد. به این ترتیب مترجم همواره خود را در یک مسابقه می‌بیند. به نظر شما این مساله برای مترجم تا چه اندازه تنش‌زا و اضطراب‌آور است؟

رعایت قانون کپی‌رایت از اهمیت بالایی برخوردار است ولی متأسفانه نبود این قانون در کشور ما موجب شده تا مترجمان همیشه نگرانی‌هایی داشته باشند؛ از جمله اینکه ممکن است مترجم(های) دیگری به صورت همزمان شروع به ترجمه یک کتاب خاص کرده باشند. این مساله به خصوص در مورد کتاب‌های جدیدی که سروصدای زیادی به پا می‌کنند یا به مسائل روز می‌پردازند - مانند کتاب‌های سیاسی - بیشتر صدق می‌کند. نگرانی در مورد این موضوع باعث شده که مترجم تا زمان قطعی انتشار کتاب تمایلی به صحبت در مورد اسم یا موضوع آن نداشته باشد تا این موازی‌کاری بعدها موجب افت در فروش کتاب نشود. با این حال، حتی در صورت ارائه نکردن اطلاعات، نمی‌توان با قطعیت گفت که یک کتاب خاص در حال ترجمه یا در مراحل چاپ قرار دارد یا نه. به همین دلیل، صحبت نکردن در مورد کتابی که تصمیم به ترجمه و چاپ آن گرفته می‌شود و سریع پیش بردن روند کار در این حوزه خیلی مهم است. ناگفته نماند که من همیشه بعد از چاپ کتاب‌ها سعی کرده‌ام با نویسنده ارتباط گرفته و در مورد چاپ کتابش به زبان فارسی به او اطلاع دهم و از این بابت مورد استقبال هم قرار گرفتم؛ حتی سارا پنر، نویسنده کتاب «عطاری گمشده» که در همکاری با نشر نون موفق به چاپ آن شدیم، عکس نسخه فارسی آن را در فضای مجازی گذاشته و از این بابت ابراز خوشحالی کرد.

گاهی می‌شنویم؛ در حالی که مترجمی مشغول ترجمه عنوانی است، همان کتاب از سوی یک یا چند نشر دیگر منتشر می‌شود. آیا این مورد برای شما اتفاق افتاده است؟ این مساله چه تاثیری بر ادامه ترجمه دارد؟

بله، متأسفانه من هم تجربه این را داشته‌ام؛ برای مثال در زمان انتشار کتاب «آتش و خشم ترامپ» بسیاری از نشرها می‌دانستند که این کتاب توسط چند نشر در حال ترجمه و آماده‌سازی است اما همگی به دلیل اهمیت این کتاب در آن زمان سعی داشتند هرطور که شده کتاب را به چاپ برسانند. یا کمی بعد چند کتاب جیبی از مجموعه کتاب‌های وینتِج مینی را ترجمه کردم که به دلیل سریع‌تر پیش رفتن روند ویراستاری و چاپ از سوی یک نشر دیگر، من و همکارانم موفق به چاپ آن مجموعه نشدیم. طبیعتاً این مسائل موجب استرس مترجم برای سریع‌تر رساندن ترجمه برای طی شدن مراحل چاپ می‌شود، مدت‌هاست که این مسائل در حوزه کتاب و ترجمه وجود دارد.

در این شرایط قطعا مترجم بیشترین آسیب را متحمل می‌شود. به نظر شما تنظیم قرارداد میان ناشر و مترجم در آغاز ترجمه تا چه میزان می‌تواند استرس‌های احتمالی مترجم را کم کند؟

مسلم است که قید شدن تمامی شرایط در قرارداد میان ناشر و مترجم به شفاف‌سازی روند کار کمک می‌کند، اما باز هم متأسفانه بستن این قرارداد، هیچ گونه تضمینی برای این نیست که آن کتاب توسط ناشر و مترجم دیگری به کار گرفته نشود و مشکل ذکر شده را حل نمی‌کند. در واقع، فقط شرایط همکاری، تحویل کتاب و غیره را مشخص می‌کند که همین هم با ذکر دقیق شرایط و توافقات بین هر دو طرف موجب بهبود همکاری شده و پایبند بودن به آنها چه از سوی مترجم و چه از سوی ناشر در تمامی مراحل به کاهش استرس و به موقع رساندن کتاب برای چاپ کمک می‌کند.

اینکه امروزه، نسخه‌های اورجینال آثار روز جهان به راحتی قابل تهیه است، چه تاثیری روی کار مترجمان دارد؟

از آنجا که سال‌هاست کتاب‌های الکترونیکی طرفداران زیادی پیدا کرده‌اند، امکان خرید راحت‌تری برای آنها به وجود آمده است. دسترسی و قابلیت خرید نسخه‌های الکترونیکی کتاب‌ها از سایت‌های معتبری مانند آمازون این امکان را به مترجمان و ناشران داده تا جدیدترین و پرمخاطب‌ترین کتاب‌ها را در سریع‌ترین زمان ممکن برای مخاطبین و خوانندگان آماده کنند. این سرعت دسترسی موجب شده تا مترجم زمان کافی برای خواندن، بررسی کتاب و شروع ترجمه آن را داشته باشند.

شما معمولا طی چه فرایندی یک اثر را برای ترجمه انتخاب می‌کنید؟ آیا این گزینش، بعد از خواندن و بررسی چند کتاب اتفاق می‌افتد؟

من معمولاً کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنم که جدید و جذاب باشند، واقعاً از سوی خوانندگان مورد توجه قرار بگیرند و طی نقدهای جدی و مردمی که از کتاب ارائه شده یک کتاب خواندنی و ماندگار به حساب بیایند و گاهی هم برنده جوایز ادبی هستند. البته همیشه چندین کتاب مورد مقایسه، بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند تا بهترین انتخاب از میان چند کتاب انجام شود. سبک و قلم نویسنده، ژانر داستان، موضوع و درونمایه آن و غیره هم در انتخاب موثر هستند.

> چندسالی است که کتابسازی در نبود قانون کپی‌رایت، رشد چشمگیری داشته و برخی مترجمان و ناشران بدون کوچک‌ترین تلاشی، ترجمه آماده یک کتاب را تحویل گرفته و به اسم خودشان ثبت می‌کنند

بسیاری از منتقدان بر این باورند که اکثر مترجمان فاقد دانش و تخصص لازم در ترجمه هستند. به نظر شما این مساله تا چه میزان واقعیت دارد؟

حوزه ترجمه، از آن دست حوزه‌هایی است که افراد بدون داشتن تحصیلات کافی و مرتبط، در آن فعالیت دارند. همین موضوع باعث شده در برخی موارد، شخص با تصور اینکه ترجمه می‌تواند به هر شکل و صورتی انجام بگیرد، کار را برعهده می‌گیرد و نمی‌تواند آن‌طور که باید به اصول بنیادین ترجمه پایبند باشد. با توجه به اینکه انواع مختلفی از موضوعات و رشته‌ها در مقاطع دانشگاهی رشته مترجمی زبان آموزش داده می‌شوند، یادگیری و شناخت استعداد در زمینه‌های مختلف مهم است. از آن مهم‌تر، کسب تجربه در این زمینه و فعالیت در حوزه ترجمه پیش از ورود به حوزه ترجمه کتاب در ارائه یک نمونه عالی از ترجمه بسیار موثر است. مطالعه و کسب دانش چه در زبان فارسی و چه در زبان خارجی (انگلیسی، فرانسه، و غیره)، مهارت کافی در نگارش و دستور زبان فارسی و حتی رسم‌الخط و ویرایش، از مهارت‌های مهم برای فعالیت به عنوان یک مترجم است.

یکی از مسائلی که سال‌هاست حوزه نشر با آن مواجه است، کتابسازی برخی از ناشران از آثار ترجمه‌ای پرفروش از سوی دیگر ناشران است. به این ترتیب کتاب‌های پرفروش با تغییراتی به اسم مترجم دیگری، در نشر دیگری به فروش می‌رسد. آیا شما چنین تجربه‌ای داشته‌اید؟ این مساله تا چه میزان بر نشر و بازار کتاب تاثیرگذار است؟

بله. متأسفانه چندین سال است که حوزه نشر با آسیب کتابسازی دست‌وپنجه نرم می‌کند و این هم یک مورد دیگر از عواقب نبود قانون کپی‌رایت است که موجب چاپ کتاب‌های پرفروش یا صرفاً به چاپ رسیده توسط یک نشر با نام یک مترجم دیگر می‌شود. این یعنی برخی مترجمان و ناشران بدون کوچک‌ترین تلاشی، ترجمه آماده یک کتاب را تحویل گرفته و به اسم خودشان ثبت می‌کنند. این روند در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته اما خوشبختانه هیچ کدام از ترجمه‌های من تاکنون به چنین سرنوشتی دچار نشده‌اند. کتابسازی قطعا یک رفتار غیراخلاقی و به نوعی فریب مردم به حساب می‌آید.

سلایق داوران در اعطای جوایز ادبی، نقش زیادی دارد. به این ترتیب هر ساله با برندگانی از جوایز مطرح جهانی روبه‌رو هستیم که اغلب با نقدهای بسیاری مواجه‌اند. برای مثال برنده سال ۲۰۲۱ جایزه نوبل ادبیات که بیشتر منتقدان این جایزه را حق برگزیده‌اش نمی‌دانستند. با این وجود، بخش قابل توجهی از آثار ترجمه‌ای در ایران براساس لیست‌های برگزیدگان جوایز ادبی خارجی انتخاب می‌شوند. نظر شما درباره این نوع انتخاب آثار برای ترجمه چیست؟

به نظر من، کتاب‌ها نه فقط از روی جوایزی که گرفتند؛ بلکه در درجه اول باید از دید خوانندگان جذاب به نظر برسند. خیلی از کتاب‌ها دارای جوایز متعددی هستند اما حتی با خواندن نقدهای مردمی متوجه می‌شوید که این کتاب‌ها چیز خاصی برای ارائه کردن به خواننده خود ندارند؛ امروزه دنبال کنندگان حرفه‌ای حوزه کتاب این را می‌دانند که جوایز اهدا شده تاثیر چندانی در جذب خواننده و فروش قطعی کتاب‌ها ندارند.

شما در سال‌های فعالیت‌تان به عنوان مترجم، ترجمه بیش از ۱۵ عنوان کتاب را برعهده داشته‌اید. دغدغه اصلی شما در ترجمه چیست؟

مترجم باید در عین حفظ همه آنچه نویسنده سعی در ارائه و انتقال آن را داشته، معیارهای جذب مخاطب را در نظر بگیرد؛ برای مثال، روان و دقیق بودن ترجمه در پیشروی مطالعه آن کتاب خیلی موثر است. ممکن است کتاب مورد نظر خیلی مهم و نویسنده‌اش سرشناس باشد اما به دلیل ترجمه نامناسب مورد توجه قرار نگیرد. ترجمه باید به گونه‌ای باشد که اگر خود نویسنده قادر به خواندن آن بود، از اینکه مترجم توانسته به خوبی زحمات او را انتقال بدهد، از او راضی و سپاسگزار باشد. تمام تلاش من بر این است که با هر کتاب یک تجربه لذت‌بخش را برای خودم و مخاطبین کتاب‌ها رقم بزنم. با هر تجربه چیزهای زیادی را یاد بگیرم و هر بار در ترجمه بهتر عمل کنم.

اغلب چه ژانری را برای ترجمه انتخاب می‌کنید؟ کمی درباره آثاری که تاکنون ترجمه آن را برعهده داشتید، بگویید.

با توجه به اینکه سال‌هاست در حوزه ترجمه فعالیت دارم، توانسته‌ام تجربه کاری در زمینه‌های مختلف را پیدا کنم، اما در حال حاضر، در حوزه کتاب بیشتر رمان و ژانر اجتماعی و معمایی را دنبال می‌کنم که در این مورد، افتخار همکاری با نشرهایی از جمله نشر نون، البرز و روزگار را دارم. البته تجربه‌های لذت‌بخشی در زمینه ترجمه کتاب‌های سیاسی- روایی مانند کتاب آتش و خشم ترامپ در همکاری با نشر سمیرا و همین‌طور کتاب‌های فلسفی را هم داشته‌ام؛ مثل کتاب «داستایفسکی در سیبری از هگل می‌خواند و می‌گرید» که از مجموعه کتاب‌های «استخوان‌های روح» منتشر شده از نشر نیماژ است.

آخرین اثر ترجمه‌ای شما، رمانی ۳۲۸ صفحه‌ای از سارا پنِر به نام «عطاری گمشده» است که تا حدودی براساس یک داستان واقعی نوشته شده است. این کتاب در کمتر از یک‌سال به چاپ سوم رسید. کمی درباره درونمایه، فضا و شخصیت‌های این اثر بگویید.

کتاب «عطاری گمشده»، در واقع روایت یک عطاری قدیمی در دهه ۱۹۶۰ است که صاحب آن، نلا، تصمیم می‌گیرد با فروختن زهر به زنانی که خیانت دیده‌اند، به کشتن مردهای خیانتکار (همسر، برادر، ارباب،...) به نجاتشان کمک کند. همزمان یک تاریخ‌دان در زمان حال درگیر خیانت همسرش شده و تنهایی راهی سفری از پیش تعیین شده می‌شود. در این سفر بقایای مربوط به دوره ویکتوریایی را پیدا می‌کند که شامل یکی از شیشه‌های عطاری شده و بعد از چندین قرن از این راز پرده برمی‌دارد. در واقع، ماجرایی مشابه همین داستان قرن‌ها پیش در کشور ایتالیا اتفاق افتاده. خوشبختانه، این کتاب در کمتر از یک سال تا به حال به چاپ سوم رسیده و به دلیل جذابیت و خاص بودن موضوعی که دارد مورد توجه مخاطبین قرار گرفته است.

از متفاوت‌ترین کتابی که تاکنون ترجمه آن را برعهده داشتید، بگویید؟

کتاب «داستایفسکی در سیبری از هگل می‌خواند و می‌گرید»، یک کتاب بسیار جذاب و خواندنی در مورد فلسفه زندگی است که طیف گسترده‌ای از موضوعات را پوشش می‌دهد. نویسنده این کتاب، لزلواف فولدنی، در این مجموعه مقالات با توصیف تبعید داستایفسکی در سیبری مسیرش را آغاز می‌کند، و یک تفسیر انتقادی درباره زمان حال را ارائه می‌کند. این کتاب به دوگانگی‌هایی همچون نور و تاریکی؛ هگل و داستایفسکی؛ عقل و هیولاها؛ خوشبختی و مالیخولیا؛ فاوست و مفیستوفلیس؛ لرد چسترفیلد و هیولای فرانکنشتاین؛ کل و جزء می‌پردازد. این کتاب اواخر سال گذشته توسط نشر نیماژ منتشر شده و تا به حال به چاپ دوم رسیده است.

همان‌طور که گفتید ترجمه فارسی کتاب «عطاری گمشده» با استقبال مخاطبان مواجه شده است. آیا قصد ترجمه دیگر آثار نویسنده این اثر را دارید؟

بله، از آنجا که این کتاب با استقبال خیلی خوبی روبه‌رو شد و من هم از این تجربه لذت بردم، مشتاق به ترجمه کتاب‌های بعدی این نویسنده هستم. ژانر معمایی و رازآلود این کتاب، مهارت نویسنده در روایت و طرح‌بندی ماجرا، تطبیق اطلاعات آورده شده در کتاب با دنیای واقعی و ایجاد همزادپنداری در خواننده جزو ویژگی‌هایی هستند که در انتخاب این کتاب موثر بودند.

معرفی کتاب

راه به قدم‌های تو روشن می‌شود

کتاب «راه به قدم‌های تو روشن می‌شود» جدیدترین اثر منتشر شده از نویسنده و نوازنده پرآوازه اهل ترکیه هاکان منگوچ است که به تازگی با ترجمه فائزه پورعلی، مترجم رسمی وی در ایران و توسط انتشارات نسل نواندیش روانه بازار نشر شده است. منگوچ که خود را نویسنده، سخنران و نوازنده‌ای معرفی می‌کند که تجربیات خود را با دیگر انسان‌ها به اشتراک می‌گذارد، در این کتاب تلاش می‌کند با عینک جهان‌بینی مولانا به مسائلی که انسان عصر حاضر با آن درگیر است نگاه کند. این نویسنده به دنبال یافتن پاسخ به این سوال است که مولانا اگر نگاهی به جهان امروز می‌انداخت؛ چه راه‌حلی به مسائلی که بشر امروز به‌خاطر «شتاب و سرعت» با آن دست به گریبان است ارائه می‌داد. این نویسنده جوان پس از بررسی در آثار بر جای مانده از مولانا، ۲۱ قاعده طلایی را از آن استخراج کرده و در کتاب با قلمی ساده به خوانندگان ارائه می‌دهد. با مطالعه این کتاب و آشنایی با این قاعده‌های طلایی، در خواهی یافت که هیچ مساله‌ای در زندگی حل‌ناشدنی نیست، همیشه راه‌حلی وجود دارد. اما تنها زمانی می‌توان به راه‌حل دست یافت که از غوغای جهان بیرون فارغ شده و با توجه به دنیای درون خویشتن، به آرامشی درونی دست یافت. هرگز نمی‌توان در ذهنی گل آلود ماهی گرفت. یکی از سوالاتی که در این کتاب - که نام آن برگرفته از بیت مشهور «تو پای به راه در نه و هیچ مپرس، خود راه بگویدت که چون باید رفت» از عطار است - بر آن تاکید شده، این است که ثروت واقعی ما انسان‌ها چیست؟ چه چیزی است که نمی‌توان آن را از آدمی گرفت و نابودش کرد؟ سلامتی؟ ثروت؟ آزادی؟ دانش؟ باور به خویشتن و عزت نفس؟ عشق؟ آیا با یک تصادف، ورشکستگی، مجازات یک خطا و قرار گرفتن در جایگاهی نامناسب، تمام این‌ها از تو گرفته نمی‌شوند؟ هاکان منگوچ در «راه به قدم‌های تو روشن می‌شود» این پیام را برای مخاطبانش دارد که زمان آن است که چشم دلتان را خوب بگشایید. ثروت واقعی توانایی شاد بودن تو از چیزی است که داری. گنجی که به دنبال آن هستی، درست همان‌جاست که ایستاده‌ای. این کتاب در ۱۸۴ صفحه، به قیمت ۷۳هزارو ۹۰۰، در قطع رقعی، جلد شومیز، با ترجمه فائزه پورعلی و از سوی نشر نسل نواندیش منتشر شد.

ارادهٔ ملوکانه تقدیم می‌کند

رمان کودک «ارادهٔ ملوکانه تقدیم می‌کند» نوشته سندی مومنی سومین کار این نویسنده در حوزه کودک و نوجوان است. وی پیش از این دو کتاب «قسم نخور» در حوزه انقلاب و «بهمن ۶۵» در حوزه دفاع مقدس را توسط «بهنشر» روانه بازار کرده بود. داستان ارادهٔ ملوکانه تقدیم می‌کند که در روزهای پیش از انقلاب رخ می‌دهد، به رابطه زری با معلمش خانم تدین و مادربزرگش می‌پردازد. این رمان در شش فصل به نام‌های من «بدقدم نیستم خانم‌بزرگ!»، «چه عیبی داره من نورچشمی باشم؟»، «دایی عزیز گوشت قربونی نشو!»، «بعد از نمایش...»، «شاه دیوانه شده!» و «نمایشی در سه پرده» به رشته تحریر درآمده است. زری، شخصیت اصلی رمان، عاشق نمایش و مهربانی‌های معلمش است؛ اما مادربزرگش بی‌آنکه متوجه شود او را کوچک می‌شمارد. زری و همکلاسی‌هایش نمایشی را در مدرسه اجرا می‌کنند و بعد از این نمایش اتفاق‌هایی می‌افتد... در بخشی از داستان می‌خوانیم: «بابا به خانم بزرگ می‌گوید دایی عزیز کار درستی نکرده وارد کار دولتی شده آن هم آن کار دولتی و خانم بزرگ هم می‌گوید: «تا کور شود هر آن که نتواند دید.» بابا استغفرا...ی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «خانم بزرگ من برای خیر و صلاح خودش می‌گم. شنیدم که...» خانم بزرگ می‌گوید: «چی شنیدی آقا صمد؟ شنیدی یه مشت پاپتیِ گدا گشنه قصد سرنگونی شاه و مملکت رو دارن؟ آخه تو دیگه چرا؟ تو که درس خوندی چرا خام حرف مردم کوچه و بازار می‌شی؟ این ریژیم ریشه داره. مثل کوه سرجاش وایساده.» بابا می‌گوید: «خانم بزرگ اصلاً کاری به رژیم ندارم. من می‌گم عزیز نباید می‌رفت تو کار امنیتی. آخه مگه کار قحط بود؟ اگه تقی به توقی بخوره اینا می‌شن گوشت قربونی... دوست می‌گه گفتم دشمن می‌گه می‌خواستم بگم. خود دانی...» کتاب «ارادهٔ ملوکانه تقدیم می‌کند» نوشته سندی مؤمنی و تصویرگری ناهید مغلوبی در ۶۴صفحه در زمستان ۱۴۰۰ توسط انتشارات شرق‌بنفشه منتشر شده است.